

اگر پیش از شش ماه از دوره تقنینیه باقی باشد  
مجلس بجای نماینده مستعفی یا متوفی انتخاب خواهند  
کرد هر گاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان  
اخطار انتخاب نکرده اند مجلس از بین پنج نفر اولی  
که در انتخاب معنی نسبتاً حاضر اکثریت بوده اند  
یک نفر را انتخاب خواهد کرد.

**رئیس** - مخالفی هست در این ماده.

**حاج شیخ اسدالله** - قانون انتخابات مجلس  
که در سابق یعنی در همین دوره دیدیم و معمول بوده  
و خیلی منافی ترتیب قانون مشروطیت بنظر می آمد  
در کمیسیون او را رد کردند ولی باز به بارت اخیری  
در این ششماه یک حقی برای مجلس در انتخاب  
گذاشته اند بعد از آنکه ملوم شد که مجلس در انتخاب  
نمایندگان هیچ حقی ندارد و تعیین نمایندگان با خود  
ملت است دیگر فرق نمیکند که ششماه باشد یا دو ماه باشد

یا یکروز فلسفه یکی است اگر میاید این حق را  
بمجلس شورای ملی داد که عوض عضو مستعفی یا  
متوفی را انتخاب بکنند دیگر این ششماه و یکسال  
فرق ندارد باید کلاً این اختیار را بهمان قسمی که  
مشمول بوده بمجلس داد ولی وقتیکه بنا شد این حق  
از مجلس گرفته شود و تعیین شد که مجلس این  
حق را ندارد نماینده را باید ملت انتخاب بکنند دیگر  
این ششماه که باخر دوره مانده باشد مجلس انتخاب  
کند هیچ معنی ندارد و منافی با آن فلسفه است  
که این حق را از مجلس گرفته اند بعقیده بنده  
اگر که در این ششماه که باخر دوره تقنینیه باقی  
مانده است اسباب زحمت و کلفتی است که اگر بخود  
ملت رجوع کنند که مشمول انتخابات شوند شاید  
طول بکشند و دوره نزدیک اختتام است اگر این  
محظور داردهمان کسیکه در دقه اول نسبت اداری  
اکثریت است همان کسی را بنمایند کمی مجلس شورای  
ملی بپذیرد دیگر لزومی به تجدید انتخاب هم ندارد  
برای اینکه این مناسبتش با آن نظر بهتر است که  
او را مقدم کنیم بششماه باخر دوره مانده و اختیارش  
را بمجلس بدهیم و همینطور هر گاه اعلان بملت کردند  
دو ماه ملت در اینکار مسامحه کرد و انتخاب نماینده  
خود را نکرذ آنوقت از میان پنج نفر که نسبتاً  
دارای اکثریت هستند انتخاب کند بهمان نظری  
که عرض کردم که مجلس شورای ملی هیچ حق انتخاب  
وکیل ندارد اینجا هم باز رجوع به پنج نفر باشد  
یا بدو نفر یا زهم این حق راجع بخود ملت است  
حالا اگر محظوری در اینجا متصور شده است که  
ملت شاید مسامحه بکنند یا اینکه موافقی دیگر در  
پیش باشد مثل اینکه موقع زمستان باشد یا وقت  
برداشتن محصول باشد که میتواند انتخاب کنند  
باز همان مرضی را که در فقره اول کردم تکرار  
میکند همان بگفتی که بعد از این عضو مستعفی  
یا متوفی دارای اکثریت است همان را بنمایند کمی  
بپذیرند برای اینکه آن کسیکه نسبت بدیگران  
اکثریت دارد این خودش ست نماینده کمی داردمتلا  
ملاحظه بفرمائید بعد از اینکه در محلی انتخاباتشان  
بعد آمد این را که میخواهم عرض کنم نظامنامه  
در این باب ساکت است و حالا عرض میکنم که  
در اینجا اضافه شود ( بعد از اینکه بگفتند آنها  
دارای اکثریت شد اعتبار نامه را هم نوشته اند لکن

بنامه برای جلسه دیگر آفایانکه تصویب میکنند  
قیام نمایند ( اکثر قیام نودند ).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد مطابق رائی  
که بررور داده شد فردا که روز یکشنبه است از سه  
بفرور مانده جلسه خواهیم داشت و دستور از این  
قرار است بقیه قانون انتخابات راپورت کمیسیون  
بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دوهزار تومان حقوق  
برگشتن از بودجه دربار - ایضاً راپورت کمیسیون  
بودجه راجع بمیرزا عبدالعبد خان پیشخدمت اینرا  
هم میخواستم عرض کنم کمی بایستی در ۱۴ میزان  
هیئت رئیسه تغییر کند و انتخاب هیئت رئیسه فردا  
موافق نظامنامه بعمل بیاید .

**حاج شیخ الرئیس** - پیشنهادی در این خصوص  
شده است خوانده شود .

**رئیس** - پیشنهادی در این باب شده است لکن  
چون موقش فردا است فردا میخوانم مخالفی نیست  
( اظهار شد خیر )

**رئیس** - حرکت کردند و مجلس یکساعت  
از شب گذشته ختم گردید .

**صورت مشروح روز یکشنبه ۱۴ شهریور**

**شوال المکرم ۱۳۲۹**

**رئیس** - آقای مؤمن الملک سه ساعت قبل از  
غروب بجای خود جلوس فرمودند و پس از ده دقیقه  
مجلس رسماً افتتاح گردید .

صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا ابراهیم  
خان قرائت نمودند ( غائبین جلسه قبل ) - بدون اجازه  
آقا میرزا علی اکبرخان - آقا سید محمد باقر ادیب -  
غائبین با اجازه - آقای شریف الملاء - آفایانی که  
از وقت مقرر تأخیر نموده اند - میرزا بانس یکساعت  
و ۴ دقیقه - دکتر امیرخان یکساعت و ۴۰ دقیقه -  
آفایان طباطبائی - ناصر الاسلام - میرزا ابراهیم قی  
یکساعت و ۲۰ دقیقه - آقا سید جلیل - یکساعت آفایان  
حاج سید نصرالله اردبیلی ۵ دقیقه آفایان متین السلطانه  
معتمدالتجار - معین الرها یا - افتخار الواعظین - حاج  
امام جمعه - رکن الملک - انتظام الحکماء ۳۰ دقیقه  
آفایان ذکاء الملک - دکتر اسمعیل خان - سلیمان  
میرزا - شیانی - دکتر سید الاطباء یکساعت .

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه است .

**حاج آقا** - در صورت مجلس نوشته شده در  
ماده ۲۰ در مدت پنج روز الی یکماه فلانی موافق یا  
مخالف بوده بنده نسبت بملت هیچ عرض نکردم  
فقط ماده ۲۰-۲۱ را یکی میدانستم و تقاضا کردم  
یکماهه شود تصویب هم شد و در ماده ۲۷ هم بنده  
مخالف نبودم بطور کلی چیزیکه لازم میدانستم دادن  
یک نسخه دیگر از صورت مجلس بنمایند بود و  
اینجا نوشته است که مخالف بوده بنده هیچ مخالف  
نمودم .

**رئیس** - اینطور اصلاح میشود دیگر مخالفی  
نیست ( اظهاری نشد ) - صورت مجلس تصویب شد  
قانون انتخابات از ماده ( ۵۰ ) قرائت میشود ( ماده مزبور  
ببابت ذیل قرائت شد ) .

ماده ( ۵۰ ) - هرگاه یکی از اعضای مجلس  
شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اگر پیش از شش  
ماه با تقاضای دوره تقنینیه باقی نمانده باشد مجلس  
شورای ملی بگنفر بجای او از انتخاب خواهد کرد لکن

تجربه صلی دارم در این کار و باید بقدر ممکن هم  
لازم است برای سرعت انتخابات کوشش کرد لذا  
این بود که پیشنهاد کردم که برای سرعت امر انتخابات  
یک مغارجی برای انجمن نظارت تعیین شود مکه  
تسهیل امر انتخابات بشود و زودتر انتخابات بعمل  
بیاید اگر مجلس برای این معین شده باشد با اینکه  
انجمن خودش این مغارج را بنده این اسباب تأخیر  
میشود و مجلسهای هم که جزء این حوزه هستند و  
باید اعلان کنند خود این اعلانات تمام خرج دارد.  
( **رئیس** - آقای آقا شیخ اسدالله ( حجت )  
فرمایش بفرمائید ) دیگر آن که یک کسی  
میخواهد که از طرف انجمن نظار امانت داشته باشد  
که برود این نوشتجات را برساند تمام خرج دارد  
بهتر این است که اینها را قرار بدهند دولت بنده  
**رئیس** - این اصلاح را قبول دارید .

**ذکاء الملک** - عبارتش را دو باره  
بخوانند ( مجدداً اصلاح میرزا مرتضی قلیخان قرائت  
گردید ) .

**ذکاء الملک** - بله قبول دارم با اصلاح  
عبارتی که مغارج ضروری انتخابات و انجمن  
نوشته شود .

**مزز الملک** - بنده تصور میکنم آن  
مقصودی را که آقای میرزا مرتضی قلیخان دارند  
آن قسمت ثانی پیشنهاد ایشان برساند در اینجا  
بکنسخارج ضروری بدوات تحمیل شود بهتر خواهند  
بود و مقصود آقای میرزا مرتضی قلیخان هم همان  
است قسمتی که اسم برده شده است انجمن شاید در  
بعضی جاها تصور شود که این موجب اعضاء انجمن  
هم هست که باسم انتخابات از برای دولت تراشیده  
شود در صورتیکه خود آقای میرزا مرتضی قلیخان  
تصریح کردند که از قبل پول اعلان و غیره بهتر  
است .

**رئیس** - یک اصلاح دیگری از طرف آقای کاشف  
شده است قرائت میشود ( اصلاح کاشف ببابت ذیل  
قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که آخر ماده ۴۹ لفظ  
اطلاع انجمن نظارت حذف شود .

**رئیس** - توضیحی دارید بفرمائید .  
**کاشف** - چون در وقت حرکت ممکن است  
کلی باطلاع انجمن نظارت آباشد ولی در وقت  
برگشتن که انجمن نظارت اطلاع ندارد این باید  
اصلاح شود .

**ذکاء الملک** - اینهم ممکن است که نظارت  
کسی را لازم نداشته باشد اما آن اظهاری را که  
آقای مزز الملک در اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان  
کردند صحیح بود بنده هم قبول دارم .

**رئیس** - بند می بینم آفایان خسته شده اند  
چون چهار ماده مانده است میخواستم بلکه آن چهار  
ماده خوانده شود ولی گمان نمیکند که امشب تمام  
شود فردا هم که جلسه داریم میگذازم برای فردا  
**رئیس** - رای میکیریم بماده ۴۹ همین  
ترتیبی که اصلاح شد آفایانیکه تصویب میکنند قیام  
نمایند ( اکثر قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد رای میکیریم  
که مجلس را ختم کنیم و باقی این قانون انتخابات

امپراتور شاهنشاهی مجلس نرسیده و معرفی مجلس نشده  
 اگر استعفا داد در اینجا چه خواهد کرد. غی از  
 اینکه آن شخصیکه بعد از او دارای اکثریت است  
 او را می پذیرد یا اینکه اعتبار نامه اش را هم  
 نوشته اند پنج نفر دارای اکثریت شدند یکی  
 دارای پنج هزار رأی و یکی دارای چهار هزار  
 رأی و یکی دیگر دارای سه هزار رأی هستند و کذا  
 سایرین اگر آن یکی که دارای پنج هزار رأی که  
 اکثریت است استعفا داد آنکسی که چهار هزار  
 رأی دارد نماینده ملت است یا نه هیچ لازم به تجدید  
 انتخاب هم نیست این عقیده خودم است که عرض  
 میکنم لازم به تجدید انتخاب نیست حالا که اینطور  
 شد در همه جا باید باین ترتیب نسبی عمل شود.

مثلا اگر ششماه باخر دوره تقنینیه مانده است  
 عضوی از مجلس استعفا داد یا متوفی شد نسبتاً  
 هر کس که دارای اکثریت است او را بپذیرد دیگر  
 لازم نیست خود مجلس شورای ملی معین کند و حال  
 اینکه اینحق را هم ندارد و اینحق را از ملت سلب  
 میکنند و مجلس بدهیده اینکه نوشته است یکنفر را  
 از پنج نفر مجلس انتخاب میکند بساهست که حکایت  
 اقلیت در اینجا منظور میشود باین معنی اگر نتوانم  
 درست بیان کنم و بیانم قاصر باشد ولی مطلب داخلی  
 میکنم مثلاً یکی از این پنج نفر دارای چهار هزار  
 رأی است یکی دارای صد رأی و یکی دارای ۵۰  
 رأی ممکن است آنکه دارای صد رأی است مجلس  
 او را انتخاب کند و آن کسیکه دارای پنج هزار رأی  
 است انتخاب نکند او را محروم کند حال آنکه او  
 که چهار هزار رأی دارد نماینده ملت است ملت  
 اعتمادش باو بیشتر بوده است که بیشتر رأی در حق  
 او داده است اما مجلس آمده است این را که کمتر  
 رأی دارد انتخاب کرده و همین حکومت اقلیت است  
 این است که عقیده بنده این است که کلاً بعهد خود  
 ملت باید واگذار کرد هر کس را که خود ملت عقیده  
 دارد انتخاب کند و هر کس دارای اکثریت باشد مجلس  
 او را بپذیرد.

**ذکاء الملک مخیر** - در مطالب زیاد هم  
 افراق و مبالغه نباید کرد این مسئله انتخاب کردن  
 مجلس بطور کلی غلط است البته مجلس حق ندارد  
 نماینده برای ملت معین بکند و اینهم که در نظامنامه  
 بود سابق غلط بود یا اشتباه شده بود یا اینکه یک رأی  
 غلط داده شده بود اما این مسئله را هم این اندازه  
 درش غلو نکنیم و بگوئیم در این چندروزه آخر دوره  
 هم مجلس حق این انتخاب ندارد این قدری افراط  
 است بجهت اینکه در همه جای عالم اینکار را کرده اند  
 و آنها از ما پیشقدم تر هستند در مشروطیت حالا که  
 ما بگوئیم آنها در این مسئله غلط میکنند این تا اندازه  
 افراط بنظر بنده می آید و حکمت هم دارد و حکمتش  
 هم این است که در این چند روزه آخر دوره تقنینیه  
 اگر بگوئیم که نمایندگان متوفی یا مستعفی میشوند  
 بجای آنها هیچ انتخاب نشود احتمال می رود یک وقتی  
 بواسطه این یک سکت مجلس شورای ملی برسد  
 اگر بگوئیم که انتخاب بجای آنها بکنند ولی ملت  
 انتخاب میکند احتمال دارد که متفر نشوند و بمشود  
 نائل نشویم چرا که اشخاصیکه انتخاب میشوند کار  
 دارند شغل دارند ترتیب زندگانی دارند نیک کسیکه  
 در کار مان است یا شغل دارد یا تجارت دارد نوکری

و کارهای دیگر دارد بیکباره که نیستند لابد این شخص  
 از برای دو ماه سه ماه نمایندگی دست از کار خود بر  
 نیندازد که دست از کارهایش بکشد و یک سفردورو  
 درازی بکند و بیاید بسبب سی روز و کیل شود و بر  
 گردد هیچ همچو کاری نمیکند و اینهم از اتفاقات  
 نادره است که اتفاق بیفتد اگر هم اتفاق بیفتد که تا  
 سه تا پنج تا اتفاق می افتد که نماینده فوت میکند یا  
 استعفا میدهد برای این گفته اند که اینحق با مجلس باشد  
 یک وقتی اگر این اتفاق افتاد این راه چاره باشد چه  
 بواسطه اتفاقاتی که برای مجلس فراهم میشود مجلس  
 بتواند این را انتخاب بکند که ضمناً بقانون هایش  
 لطمه وارد نیاید و اینحق باشد که در آخر دوره  
 نماینده که لازم است انتخاب کنند و این هیچ ضرر  
 ندارد که میفرمایند حق را از ملت می گیرد این از  
 ملت گرفته نشده است حتی ملت بحال خودش باقی  
 است پس از دوسه ماه دیگر کموقع تجدید انتخاب  
 است ملت نماینده خودش را انتخاب خواهد کرد عرض  
 بنده در این مسئله است و با عقاید بنده چندان اشکال  
 و دلخوری هم ندارد و اما مسئله دیگر که جاهای  
 دیگر معمول بوده است و ما به اقتضای این ملک  
 قرار دادیم یعنی گفتیم اگر بیزش از ششماه مانده باشد  
 تاخیر دوره تقنینیه باید خود ملت انتخاب کند  
 نماینده اش را ولی از تجربه که داریم در همین دوره  
 در صورتیکه دوسال است گذشته دوره تقنینیه نزدیک  
 باخر است هنوز بعضی جاها هست که نماینده  
 خودشان را نفرستاده اند پس در اینصورت گفتیم که  
 اگر این حق را کلیه ملت بدهیم و به مجلس هیچ حق  
 ندهیم اگر یک وقتی چند نفر از نمایندگان استعفا  
 دادند یا فوت کردند اعلام کردیم بپوکلین آنها که  
 مجدداً انتخاب بکنند شاید مثل اینکه تا بحال یکصده  
 از نمایندگان نیامده اند آنها هم انتخاب نکردند و  
 نیامدند آنوقت باین ترتیبی که در این ملک هست  
 در انتخابات ممکن است که تا یکسال تمام و کلاه  
 بروند و مجلس شورای ملی خالی بماند چون مجلس  
 حق نداده اند و مردم هم شاید موافقی بر ایشان نیابند

شد و کاهلی کردند اینکار را نکردند و مجلس هم از  
 اکثریت افتاد آنوقت چه خواهید کرد مثل اینکه  
 دیدید که اگر در این دوره مجلس این حق را نداشت  
 تقریباً همینطور شده بود پس این چیزی که در اینجا  
 است یک چیز فوق العاده است و در واقع مخصوص  
 مملکت ماست گمان میکنم که لازم هم باشد اما آن  
 قسمت دیگرش را عرض کردم که مبالغه است کمی بگویند  
 اینحق از ملت سلب میشود اینطور نیست در آ دو  
 سه ماه آخر دور تقنینیه ضرر ندارد که اینحق بمجلس  
 داده شود.

**و حید الملک** - در اینجا آقای مخیر شرحی  
 راجع به سولت کار از برای انتخابات مجلس ذکر  
 نمودند بنده هم تصدیق میکنم که در این مملکت عمل  
 انتخابات آنطوری که بایست سهولت پیدا نکرده  
 است و وسایل مسترد وهم آنطوری که شاید و باید  
 فراهم نیست و آمدن و سکلا پایتخت یک اشکالی  
 دارد و این جای هیچ تردیدی نیست ولی از آنطرف  
 این مسئله را هم نباید صرف نظر کرد که کار غلط  
 غلط است انتخاب از مجلس ولو یکماه هم باخردوره  
 مانده باشد غلط است آقای مخیر میفرمایند همه جا  
 اینکار را کرده اند نفرمودند کجا و کی و در چه

موقع حالا اگر در فرانسه یک وقتی فوق العاده از  
 مجلس انتخاب کرده اند این دلیل نمیشود که اینحق را  
 بمجلس شورای ملی بدهیم در صورتیکه این حق را هم  
 ندارد مجلس هم حلی را دارد بجز این حق که حق  
 انتخاب است و حق انتخاب مخصوص ملت است نمایندگان  
 ملت نمیتوانند که خودشان را معق این حق بدانند و  
 بکلی این مسئله مخالف مشروطیت و حکومت ملی است  
 و بر ضد فلسفه و روح مشروطیت است و مکرر در این  
 مجلس توضیح شده است و آقایان مفساد اینکار را  
 برای العین دیده اند باز میخوانند تجربه حاصل کنند  
 و امتحان بکنند امتحان کرده ایم و تجربه بهم حاصل  
 کرده ایم باز یک چیز غلطی میخوانیم داخل قانون  
 خودمان بکنیم لهذا بنده خواهش میکنم از اعضای  
 کمیسیون که یک جزئی راحت را بر یک چیز خیلی  
 صحیحی که روح مشروطیت و فلسفه قانون است ترجیح  
 ندهند و انتخابات را مخصوص ملت بدانند این یک نکته  
 اما یک نکته دیگر که از اینهم غریب تر می آید و خود  
 آقای مخیر هم تصدیق فرمودند این است که حق انتخاب  
 را بملت بدهیم لکن در یک مدت محدودی و بگوئیم  
 کجا در مدت دو ماه اینحق را باید داشته باشد و  
 پس از دو ماه اینحق که حق خودتان است دیگر  
 نداشته باشید اینهم چیز خیلی غریبی است اگر  
 فلسفه این را فهمیدیم و قبول کردیم که انتخابات حق  
 ملت است و ملت باید اینکار را بکند و این یک حقی است  
 فی حد ذاته ملت دار است آنوقت ما نمیتوانیم خودمان  
 یک حدی برای آنها قرار بدهیم که در مدت دو ماه  
 دارای اینحق هستند و بعد از شما سلب میشود این یک  
 غلط و اما غلط فلسفی آن که آقای آقا شیح اسد الله هم  
 فرمودند این است که افکار ملت هیچوقت محدود نمیمانند  
 امسال مردم از برای بعضی مصالح در پاره مقتضیات  
 زید عمرو بکر را انتخاب میکنند ولی بعد از ششماه  
 یکسال آن مقتضیات مرتفع میشود ملت عقیده اش  
 این میشود که آنها را نیایستی انتخاب کنند می آیند  
 عوض زید و بکر و عمرو و حسن و حسین قتی و نقی را انتخاب  
 میکنند و آنوقت ما بایستیم و بگوئیم شما بیخود اینکار  
 را کرده اید و این دو ماه که شما انتخابتان را نکرده اید  
 ما امروز زید بکر و عمرو را که ششماه یکسال پیش از  
 این میخواستید انتخاب بکنید و حالا دیگران را  
 میخواستید انتخاب بکنید ما همانها را انتخاب میکنیم  
 و این یک چیزی است بر ضد فلسفه قابل تغییر بودن  
 افکار عمومی میشود زیرا خیلی اشخاص هستند که  
 امروز مورد حسن ظن هستند ولی ششماه بعد مورد  
 سوء ظن واقع میشوند در اینصورت ما یک حقی را  
 از برای خودمان اختیار کرده ایم که بکلی بر ضد  
 فلسفه حقانیت است که حق ملت را باطل کرده ایم  
 و از طرف دیگر برخلاف حکمت و قابل تغییر نبودن  
 است و اما راجع بسابقه کردن که آقای مخیر فرمودند  
 این را نباید مبالغه کرد که اینحق را ششماه بمجلس  
 بدهیم ششماه عیب ندارد دوسال را بر میداریم ششماه  
 حق می دهیم بمجلس بنده عرض میکنم که از آنطرف  
 هم نمیشود مبالغه کرد که در ظرف ششماه باخردوره  
 مانده این قدر از و سکلا مستعفی و متوفی شوند  
 که مجلس از اکثریت بیفتد یک مجلس شورای ملی  
 که یک عده معینی دارد که خیلی زیادت از آنست که  
 باید مجلس را قانوناً منقذ بکنند ششماه که آخر  
 دوره مانده باشد آنوقت بطور جزئی میتواند تمام

مستغیانی و متوفیانش مجلس را اداره کند اگر يكماه چهلروز باخر دوزه ماندهمجلس از اکثریت یافته آتم ممکن است که انتخاب شود چون انتخاب دست ملت است و ملت میتواند يكماه باخر دورمانده شروع کند بانخابات چیزی که هست بنده مبین اهمیت نمیدهم به سهیل انتخابات و منظم سخنردن حوزه های انتخابیه است زیرا برای انتخابات هیچ اساس علمی در دست نداریم و هیچ نظر علمی مادر کار انتخابات نمیکیم اگر ما عوض این بی قانونها بیائیم يك ترتیب صحیحی برای انتخابات که اسباب سهیل انقادمجلس را فراهم میکند برای انتخاباتمان بدهیم و يك ترتیب داوطلبی قرار بدهیم آمده اشخاصی که بدانتخاب شود شاید قبل از وقت حاضر باشند میائیم دست میزینم چیزهایی که مخالف قانون است اگر بآنها نظر بکنیم و آنها را صریح بکنیم آنوقت کیر اینگونه اشکالات نیآئیم که مجبور باین بی - قانونیها بشویم .

تأخیرات و متوفیانش مجلس را اداره کند اگر يكماه چهلروز باخر دوزه ماندهمجلس از اکثریت یافته آتم ممکن است که انتخاب شود چون انتخاب دست ملت است و ملت میتواند يكماه باخر دورمانده شروع کند بانخابات چیزی که هست بنده مبین اهمیت نمیدهم به سهیل انتخابات و منظم سخنردن حوزه های انتخابیه است زیرا برای انتخابات هیچ اساس علمی در دست نداریم و هیچ نظر علمی مادر کار انتخابات نمیکیم اگر ما عوض این بی قانونها بیائیم يك ترتیب صحیحی برای انتخابات که اسباب سهیل انقادمجلس را فراهم میکند برای انتخاباتمان بدهیم و يك ترتیب داوطلبی قرار بدهیم آمده اشخاصی که بدانتخاب شود شاید قبل از وقت حاضر باشند میائیم دست میزینم چیزهایی که مخالف قانون است اگر بآنها نظر بکنیم و آنها را صریح بکنیم آنوقت کیر اینگونه اشکالات نیآئیم که مجبور باین بی - قانونیها بشویم .

**ذکاء الملک** - بنده باز تجدید میکند هرايش خودمرا که بابقدر در مقامی نباید افراط کرد و اینکه آقای وحید الملک فرمودند کجا این ترتیب معمول بوده شاید در فرانسه یکوقتی بر حس فون العاده این کار را کرده اند تعجب میکنم و حاضر که از برای آقای وحید الملک قانون انتخابات فرانسه را بیورم نشان بدهم که الان هم اینکار را میکنند و حالا هم این مسئله دایر است و در فرانسه هست که ششماه باخر دوره مانده اگر کسی از نمایندگان فوت کرد یا استعفاء داد مجلس بجای او انتخاب میکند چون ما یکوقتی يك کار غلطی کردیم و يك سوء استعمالی نموده ایم که يك نتیجه بدی داده است از این جهت در ما يك تشویشی هست از او که آنوقت بواسطه آن تشویشی هی مبالغه میکنیم که این غلط است که مجلس از خودش نماینده انتخاب کند و شاید از این يك بدی دیدیم و حال آنکه گمان میکنم نتیجه بدی نداده است حالا هم بابقدر افراط میکنیم که در اواخر دوره تقنینیه هم حاضر نمیشویم برای باره ملاحظاتی این حق را بمجلس بدهیم بله اگر ما فقط اینحق را منحصر میکردیم به مجلس اینکار را چنانچه کرده بودیم معمول میداشتیم و هیچ ضرری هم بنظرمان نمیرسد حق با شما بود ولی باینقدر که یائین آورده ایم گمان میکنم ضرری نداشته باشد حالا شما میفرمائید سکت بمجلس وارد نیآید شما چه میدانید که چه پیش میآید و چه اتفاقاتی واقع میشود ترتیبی را که بعداً یا سهواً میتواند واقع شود هرگاه يك اسبابی فراهم آمد یا آوردند از برای اینکه مجلس شورای تان از اکثریت نیفتد چه خواهید کرد بخصوص در این مملکت که مردم بانخابات عادت نکرده اند و انسی ندارند میفرمائید يك ترتیبی برای سهیل انتخابات و ترتیب داوطلبی فراهم بیآوریم کدام ترتیب داوطلبی را میفرمائید این مثل این است که شما از ترتیبات مملکت خبر ندارید البته باید بهتر ترتیب داوطلبی باشد ولی این باید در جزو عادت مملکت باید بشود در جزو عادت اهالی اخلاق آنها اما امروز ما می بینیم که مردم میروند میگویند ما هی میگوئیم که نمیخواهیم و کیل شویم بعد که انتخاب میکنند میگویند خوب حالا شده

است مثلاً در يك شهری پنج نفر منتف هستند آن اشخاصی که بعد از آن پنج نفر هستند معلوم است که منتف ملت هستند این شبهه ندارد بعد از آنکه منتف اکثریت قوت یا مستغنی شد ما میگوئیم همانها که بعد از او دارای اکثریت نسبی هستند در حقیقت تصدیق کرده ایم که منتغینی که دارای اکثریت نسبی هستند بیایند بمجلس و معلوم است که او نماینده اقلیت است والا اگر حق بدهیم که یکی دو مرتبه رای بدهند باز دو مرتبه منتغین و کاندید های اکثریت بمجلس خواهند آمد بقیه بنده آن چیزی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند صحیح نخواهد داشت بجهت اینکه آن کسیکه میدانند که اگر وکیل سابق نباشد او خواهد بود خود او بعضی اسبابها فراهم خواهد آورد که او بیاید و بجای اودر مجلس بنشیند و این رای برای احزاب سیاسی مخصوصاً صحیح نخواهد بود پس بقیه بنده خوب است که همان حق را به خود مردم بدهیم و این فرض که به عقیده بنده فرض محال است و مجلس از اکثریت یافته در این دوسه ماه بهتر است از اینکه اشخاصی باشند که وکیل ملت نباشند .

**حاج عز الممالک** - بله مخالفم .

**حاج عز الممالک** - باعقاد بنده این ماده که در کمیسیون نوشته شده بیچند دلیل مخالف قوانین مفر هم فرمودند مخالف است با عقیده اشخاصی که عقیده بانقلاب مستقیم دارند بهر ترتیب که تصور شود و بنده خودم از اشخاصی هستم که انتخابی که از طرف ملت نشود بهر طودی که اورد درست کنیم خلاف حکومت ملی است میدانم اینجا همیشه مشکل نوشته شده است یکی آنکه شش ماه بدوره تقنینیه مانده باشد که خود مجلس انتخاب کند و یکی آنکه پیش از شش ماه مانده باشد يك حق محدودی بخود ملت بدهیم که خودشان انتخاب کنند و یکی آنکه از بین پنج نفر آنها انتخاب کند و ملی ای حال بهره سه ترتیب این انتخاب غلط است با آن حق انتخابی که باید به ملت بدهیم اینجا آقای مفر فقط دلیل عده که اظهار فرمودند نبودن مجلس بود که ممکن است اواخر دوره تقنینیه مجلس از اکثریت بیعتد و ضرر نبودن مجلس بیشتر است از اینکه خود مجلس انتخاب کند ولی بنظر بنده مجلسی که منتف خودش در آنجا باشد و منتف ملت در آنجا نباشد آن مجلس را نماینده ملت نمیتوان گفت بجهت آنکه آن اشخاص نماینده مجلس خواهند بودند نماینده ملت و نماینده باید نماینده ملت باشد که در کرسی وکالت بنشینند و اگر برای سهولت انتخاب باشد ممکن بود که مردم گفت که همین قسم بیایند در کرسی وکالت بنشینند و وکالت کنند ولی برعکس باید شود که نماینده منتف خود مردم باشد اما اینکه فرمودند که بواسطه بعضی خطرات و اتفاقات ممکن است مجلس از اکثریت بیفتد و چند نفر خواستند مجلس را از اکثریت بیندازند آن وقت مجلس اکثریتی نخواهد داشت که بتواند وکیل انتخاب کند یکی هم آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند و خود آنکسیکه بعد از منتغینی دارای اکثریت نسبی است خود آن آدم بوسکالت انتخاب شود و بسبت و کالت شناخته شود و بنده می گویم اینهم برخلاف حکومت ملی است که اشخاص را که در موقع انتخاب اکثریت نسبی دارند نماینده بشناسیم بجهت اینکه همیشه حکومت با اکثریت ملت

پ وحاش بکنند و بفرستند ولی آن پنج نفری را که باید پنج نفری باشند که دارای اکثریت بوده اند مجلس از بین آنها انتخاب کند بنده معنی این را نمیفهمم و مطالب هم مستم .

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد ( اظهار شد سکافی است ) ده فقره اصلاح رسیده است قرائت می شود ( پیشنهاد های مزبور به ترتیب ذیل خوانده شد )

(۱) از طرف آقای کاشف .

اصلاح بنده پیشنهاد میکنم کدر ماده پنجاهم بجای ششماه بانقضای دوره تقنینیه که نوشته شده مجلس از انتخاب خواهد نمود سه ماه نوشته شود

(۲) از طرف آقای لواءالدوله .

بنده پیشنهاد میکنم که تا سه ماه باخر دوره تقنینیه مانده بروض مستغنی یا متوفی از محل انتخاب شود .

(۳) از طرف آقای وحید الملک - این بنده پیشنهاد میکنم که ماده پنجاهم بطریق ذیل نوشته شود هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستغنی یا متوفی شود اهل محل بجای نماینده مستغنی یا متوفی انتخاب خواهد کرد .

(۴) از طرف آقای حاج عز الممالک - بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجاهم اینطور نوشته شود .

ماده ۵۰ - هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستغنی یا متوفی شد اهل همان محل يك نفر بجای او انتخاب خواهند کرد .

(۵) از طرف آقا میرزا مرتضی قلیخان بنده پیشنهاد مینمایم که جزو اول ماده ۵۰ این قسم نوشته شود اگر پیش از شش ماه بانقضای دوره تقنینیه مانده باشد مجلس شورای ملی از اشخاصی که در انتخاب محل عضو مستغنی یا متوفی نسبتاً دارای اکثریت بوده اند برای بدل عضو مزبور معین خواهند کرد لیکن اگر الی آخر ماده .

(۶) از طرف آقای مززالملک - هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستغنی یا متوفی شود اگر پیش از شش ماه باخر دوره تقنینیه باقی باشد حوزه انتخابیه که آن نماینده مستغنی یا متوفی را انتخاب کرده بودند یک نفر دیگری بجای او انتخاب خواهد کرد ولی هرگاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اظهار در محل انتخاب نکرده اند مجلس شورای ملی حق خواهد داشت یک نفر را بجاى عضو مستغنی یا متوفی انتخاب نماید .

(۷) از طرف آقای میرزا ابراهیم خان - هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستغنی یا متوفی شود اگر پیش از شش ماه بانقضای دوره تقنینیه باقی مانده باشد اول شخصی که در محل انتخاب بد از نماینده مستغنی یا متوفی اکثریت نسبی داشته باشد بجای او تعیین خواهد شد و چنانچه پیش از ۶ ماه باقی باشد انتخاب جدید باید در محل بعمل آید هرگاه اهل محل پس از دو ماه از زمان اظهار انتخاب ننمودند در آن صورت نیز هر کس که در انتخابات سابقه اکثریت نسبی داشته تعیین میشود

(۸) از طرف شاهزاده لسان الحکماء - هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی مستغنی یا متوفی شود اگر پیش از ۶ ماه بانقضای دوره تقنینیه مانده باشد مجلس شورای ملی یک نفر بجای او انتخاب

خواهد کرد لیکن اگر پیش از ۶ ماه بدوره تقنینیه باقی مانده باشد باید اهل محل بجای نماینده خود که مستغنی یا متوفی است انتخاب نمایند .

(۹) از طرف آقای بهجت - بنده تقاضا میکنم ذیل ماده ۵۰ اینطور اصلاح شود هرگاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان انتخاب شروع بانفعال نکرده اند .

(۱۰) از طرف آقای حاج آقا - بنده پیشنهاد میکنم که در ماده (۵۰) حکم بدون قدر بعد از جمله - هرگاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اظهار زیاد شود .

**کاشف** - بنده نمیخواهم مفصلاً عرض کنم همین قدر ان مذاکراتیکه شد که هیچ حق بمجلس داده نشود با این انتخابیکه کرد ایم که انتخابات همیشه بتأخیر افتاده و هیچوقت حاضر نمیشوند برای انتخابات لازم می بینم که لا اقل سه ماه بمجلس اهدیتی داده شود که انتخاب کند و کمتر از سه ماه هم فائده ندارد ملت انتخاب کند بجهت اینکه نماینده که انتخاب کنند برای کمتر از سه ماه بمنزل نمیرسد باین جهت این پیشنهاد را کردم .

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید

**ذکاء الملک** - آن پیشنهاد هائی که ۶ ماه را بدل سه ماه کرده اند بنده قبول میکنم

**رئیس** - اصلاحات راجع به سه ماه را آقای مفر قبول کردند ( اصلاح آقای وحید الملک مجدداً قرائت شد )

**رئیس** - اصلاح آقای حاج عز الممالک هم همین مضمون است .

**وحید الملک** - گویا بعد از توضیحاتی که عرض کرد توضیح جدیدی لازم نباشد این جا دو شرط بود یکی شرط شش ماه بود که در آن ۶ ماه آخر مجلس شورای ملی حق انتخاب داشته باشد و یکی دیگر تجدید کردن حق ملت در انتخابات که فقط دو ماه باشد که مجلس شورای ملی حق داشته باشد بعد از دو ماه از کسانی که باقی مانده اند در انتخابات گذشته از آن پنج نفری که اکثریت دارند آنها انتخاب شوند این دو شرط را بنده چنانچه عرض کردم بر خلاف مشروعیت و حکومت ملی می دانم لهذا پیشنهاد کردم که این دو شرط حذف شود و فقط بجای نماینده مستغنی و متوفی ملت اهل محل حق داشته باشند که انتخاب کنند پیشنهادم راجع همین است .

**رئیس** - آقای مفر چه میفرمائید

**ذکاء الملک** - بنده نمیتوانم قبول کنم

**رئیس** - اصلاح آقای وحید الملک و آقای حاج عز الممالک يك مرتبه دیگر هم قرائت میشود و رای میگیریم ( مجدداً قرائت شد )

**رئیس** - آقایابیکه قابل توجه می دانند قیام نمایند ( نصف صحیح از آقایان نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - ۳۳ نفر از ۶۶ نفر رای دادند بنده حق تجزیه را ندارم ولی این اصلاحات باید تجزیه شود اگر باین ترتیب رای بگیریم منشوش خواهد شد همین ملاحظه که عرض کردم قبل از

وقت باید اصلاحات به مفر داده شود ( اصلاح آقای مززالملک مجدداً قرائت شد )

**عززالملک** - اگر مایه پوری بعملیات اخیر مجلس بکنیم و همچنین اگر بیروی بعملیات مجلس فرانسه که ای اوحق انتخاب داده اند بکنیم خواهیم دید که از اینحق هم استفاده نمیشود البته فلسفه هم اینحق يك چیز بدی است که داده میشود ولیکن نباید مجلس استفاده کند از آن اینستکه بنده معتقدم که تا آنوقتی که ضرورت پیدا نکند و یکصورتی پیدا نکند و يك احتیاج فوق العاده نباشد مجلس حق نداشته باشد انتخاب کند باینجهت فقط بملاحظه دوروزه که باخر دوره تقنینیه میماند باینجهت هم نمیتوانیم اینحق را بدهیم به مجلس و این اوایل انتخاب کردن مجلس باشد دیگر آتقسیم این ماده که نوشته است اگر ششماه بودت انتخاب مانده باشد مجلس حق دارد انتخاب کند بنده بیکه بکمرومیگوید کلبه تاوقتی که سه ماه مانده باشد باخر دوره تقنینیه حق داشته باشد این سه ماه را هم که عرض کردم چون در ماده (۵۲) ذکر خواهد شد که سه ماه باخر دوره تقنینیه مانده از طرف دولت اعلان شروع بانخابات جدید داده خواهد شد - باین لحاظ تا مدتی که زیاد از سه ماه نباشد که باخر دوره تقنینیه مانده است انتخاب کند این يك حق است که هیچکس نمیتواند انکار کند که پیش از سه ماه هر نماینده که مستغنی بشود یا میرد البته باید بجای او را هم محل خودش انتخاب کنند مگر در یکصورت در آن صورت که ما بهینیه آن محل نخواستیم است در مدتی که کافی است برای استفاده کردن از حق خودش استفاده کند آنوقت برای اینکه مجلس از اکثریت بیعتد و يك منفعت عمومی فدای يك منفعت خصوصی نشود میشود اینحق را بمجلس داد که بجای مستغنی یا متوفی انتخاب کند و آن ایرادیکه آقای وحید الملک در ضمن نقاشان فرمودند آن ایراد نمیتواند باین پیشنهاد وارد شود بجهت اینکه ما اگر بشام قانون انتخابات مراجعه بکنیم می بینیم در بعضی موارد مجبوریم حق انتخاب بعضی نقاط را ساقط کنیم بجهت اینکه اگر چندین نقطه در يك حوزه انتخابیه باشند و در یکمدتی نیامندن رای بدهند حقتان ساقط میشود بجهت اینکه این پیشنهاد بنده میگوید هرگاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اظهار بجای مستغنی یا متوفی انتخاب نکرده اند که همچو چیزی خواهد بود در آن مدتی که معین شده است نیامندن و انتخاب نکرده اند خودشان از خودشان سلب کرده اند آنوقت مجلس حق خواهد داشت که بجای آنها انتخاب کند پس هیچ معرومیتی نخواهد داشت این قسمت از معرومیت مثل همان معرومیتی شده که در بعضی موارد این قانون تصویب شده ولی قسمت از این ماده را بنده هیچ نمیتوانم بپذیرم که بعد از آنکه خواست انتخاب کند حتماً باید از زمان آن پنج نفری که اکثریت نسبی دارند اینرا مخالفم بجهت اینکه باید اینحق را داد بمجلس که انتخاب کند باینجا داداگر بندهید مطلبی است و اگر حق انتخاب به کسی میدهد لازم است حق انتخاب آزادی در انتخاب است هیچکس نمیتواند بگوید بکسیکه بیاین شخص را انتخاب بکن من حق دارم که يك کسی را انتخاب بکنم لازم این این است که هر کسی را که میخواهیم وکیل شویم بعد که انتخاب میکنند میگویند خوب حالا شده

از این جهت که خالی است و به این جهت که خالی است  
 شود شاید همیشه کمیسیون این بوده است که آقاهای  
 که انتخاب میشوند از اشخاصی باشند که آراه در  
 سرا آنها داده شده است و زیادتر محل اعتماد و توجه  
 اهل محل باشند و این هیچ دلیل نباشد بجهت اینکه  
 بسا میشود که یک کسیکه در موقع انتخاب طرف  
 اعتماد شده است یا بواسطه اتفاقات بدی که رخ داده  
 است یا او اقدامی کرده است همان طور که آقای  
 وحیدالملک فرمودند بعد از یکصد و یکصدی آن اعتماد  
 بر طرف میشود و شاید آن کسیکه طرف اعتماد  
 نبوده اند محل توجه و طرف اعتماد واقع شده باشند  
 و شاید که آن کسانی که بالنسبه دارای اکثریت  
 بوده اند هیچ خوب نبوده اند این هیچ دلیل نمیشود  
 بنده باین ماده باین نظر بخواهم مخالفم .  
 رئیس - آقای مغیر چه میفرمائید .  
**ذکاءالملک** - قسمت سه ماه را که بنده  
 قبول کردم .  
 رئیس - رای میگیریم با اصلاح آقای مرمز الملک  
 باستانای مدت سه ماه .  
**ذکاءالملک** - تمام این پیشنهادها را رجوع  
 بکنند بکمیسیون .  
**وحیدالملک** - پیشنهاد بنده چه شد .  
 رئیس - بلا تکلیف ماند .  
**وحیدالملک** - پس نیشود برعکس هم  
 رای داد .  
 رئیس - برای این بود که گفتیم باید پیشنهادها را  
 قیلا بسخنر داد .  
**وحیدالملک** - باید بفرستید بکمیسیون  
 تجدید نظری بشود .  
**ذکاءالملک** - تقاضا میکنم برود  
 بکمیسیون .  
 رئیس ماده ( ۵۱ ) - ( ماده مزبور بعبارت  
 ذیل قرائت شد )  
 ماده ( ۵۱ ) - نماینده کتاشمشاه بعد از انتخاب  
 بدون عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود  
 در حکم مستغنی از نمایندگی است .  
**حاج آقا** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک

هائی او میخواهند عوامه و برای اینکه فعليه امور  
 خودش را هم در محل کرده باشد و حرکت کرده  
 باشد خیلی هم بغواهم ملاحظه کرده باشیم که در  
 دادو ستد و تجارت باشد معامله و حساب داشته  
 باشد و همین قسم چیزهای دیگر دو ماه دیگر کار  
 دادو این میشود چهار ماه از اینجهت ما این دو  
 نقطه نظر را اگر ملاحظه بکنیم باید تجربه بکنیم  
 و هم یک نظری باین داشته باشیم کلاز محل حرکت  
 میکنند بجهت تعطیل در راه بواسطه اینکه ممکن  
 است که یک نماینده بوقت حرکت کند ولی در بین  
 راه مشغول سیاحت و گردش است و در محل نمایندگی  
 خودش حاضر نشود این یک نظر و نظر دیگر که  
 در محل بعد از انتخاب در مکان خودش باشد و حرکت  
 میکند از این جهت باید این دو تاثیر چه شود و هر  
 دورا شرط قرار بدهند لهذا بنده پیشنهاد میکنم که  
 نوشته شود تا دو ماه پس از انتخاب اگر بلاعذر  
 از محل خودش حرکت نکند در حکم مستغنی  
 است و بعد از حرکت اگر بلاعذر تا دو ماه بر مرکز  
 وارد نشد و بمحل نمایندگی نیامد در حکم مستغنی  
 است که هم ملاحظه کار و ترتیب امور زندگی او  
 شده باشد و هم ملاحظه دوری و نزدیکی راه شده  
 باشد و هر دو در نظر آن منظور شده باشد .  
**ذکاءالملک** - این ماده که اینجا نوشته  
 شده است بنده عرض میکنم که اینهم یکی از کار  
 هائی است که تازه کرده ایم و حقیقتاً نیبایست که یک  
 همچو شرطی قرارداد منشی اشخاص کمیسیون ملاحظه  
 کرده اند که چند دفعه اتفاق افتاده است که کلاه  
 را انتخاب کرده اند و خواستند رفع این صیدا کرده  
 باشند و این را نوشته اند ولی آن شکلی که آقای حاج  
 آقا فرمودند خیلی حدود و معینشده و در واقع و کلاً را  
 تحت قیومت قرار داده اند کلازم است این اندازه  
 از برای او یک حدودی معین شود و او در حدود  
 و وظایف خودش آزاد نباشد و حال آنکه ما میبایستی  
 که نظر کنیم که اشخاصیکه نماینده ملتند بشکالیف  
 خودشان آنطوری که شایسته است عمل میکنند و از  
 حدود تکالیف خودشان حتی الامکان خارج نمیشوند  
 و این راه ملاحظه فرموده اند که نوشته است که  
 بدون عذر موجه اگر تاشمشاه حاضر نشد این راه  
 باید ملاحظه فرموده باشند که تا ششماه دیگر اگر  
 نیاید و عذر موجه داشته باشد نمیتوان او را در حکم  
 مستغنی دانست اینک ترتیبی است که واقعاً نمیتواند  
 بیاید از کجا ما میدانیم که او نیامده است باز برای ملت  
 کار نمیکند شاید او کاری بکنند برای ملت که اهمیت  
 دارد شاید کاری هم باشد که راجع بنمایندگی او است  
 و آن کار کاری نباشد که کار خارج باشد و اینکار  
 وظیفه اوست که می کند شاید بفرمانده که وظیفه نماینده  
 فقط این است که بیاید در اینجا حاضر بشود و کار  
 های عموماً دخلت کند آنها هم صحیح است لکن  
 نباید باین اندازه سخت گرفت و مقید کرد یک نماینده  
 را که بعد از اینکه انتخاب شد حتماً باید بعد از دو ماه  
 حرکت کند و اگر هم وقتی حرکت کرد حتماً باید  
 بعد از دو ماه اینجا برسد این خیلی سخت گیری  
 است که بنظر بنده کسی که این اندازه مستند  
 ملت بوده است که به نمایندگی انتخاب شده این قید  
 را نباید سکر و این اندازه نباید سخت گیری کرد

بسیون که عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود  
 در حکم مستغنی از نمایندگی است .  
**حاج آقا** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک  
 روز و نیم در راه باشد و این هم عذر موجه در مجلس  
 شورای ملی است .  
**ذکاءالملک** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک  
 روز و نیم در راه باشد و این هم عذر موجه در مجلس  
 شورای ملی است .  
**ذکاءالملک** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک  
 روز و نیم در راه باشد و این هم عذر موجه در مجلس  
 شورای ملی است .

بسیون که عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود  
 در حکم مستغنی از نمایندگی است .  
**حاج آقا** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک  
 روز و نیم در راه باشد و این هم عذر موجه در مجلس  
 شورای ملی است .  
**ذکاءالملک** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک  
 روز و نیم در راه باشد و این هم عذر موجه در مجلس  
 شورای ملی است .

بسیون که عذر موجه در مجلس شورای ملی حاضر نشود  
 در حکم مستغنی از نمایندگی است .  
**حاج آقا** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک  
 روز و نیم در راه باشد و این هم عذر موجه در مجلس  
 شورای ملی است .  
**ذکاءالملک** - بنده این ماده را چون حافظ حقوق  
 مردم در مقام نمایندگی میدانم باندازه تعیین زمان  
 برایش بکنیم که اندازه لزوم میدانم یعنی باید  
 ملاحظه بکنیم که تاچه مقدار وقت لازمست که  
 نماینده از مجلس خودش حرکت کند و بمجلس  
 شورای ملی برسد تا همان اندازه اگر منظور شود  
 فقط حدود و حقوق ملت است و در این مدت هم  
 متوجه کار و مشغول خدمت خودش باشد اگر مانظر  
 باین مطلب داریم باید همان میزانکه ممکن است  
 که انتخاب شود و حرکت کند همان میزان را معین  
 کنیم از این جهت بنده عرض میکنم باینکه اینجا  
 مطلقا نوشته است که اگر شش ماه نباید در حکم  
 مستغنی است بنده مخالفم بواسطه اینکه اولاً محل  
 انتخابات نسبتاً بر مرکز مختلف است و ثانیاً اقاصی  
 بلاد ایران را که ملاحظه بکنیم و نسبتش را باین  
 مدت بستن خیلی زیاد میشود بجهت اینکه اگر  
 فرض کنیم از اقاصی بلاد بلوچستان مایکنفر نماینده  
 انتخاب کردیم و خواست حرکت کند بیاید بر مرکز  
 چقدر وقت بیینیم لازم دارد گمان میکنم که یک  
 روز و نیم در راه باشد و این هم عذر موجه در مجلس  
 شورای ملی است .



دای گرتند و متوجه شد که تالی بر او سلفه اینک نظریات والا حضرت در آن لازم بود و نشد. بود مسترد شد که والا حضرت نظر خودشان را در آن بر مایند و این رایورت هم حالا خوانده شد حقوق این اشخاص سابقاً جزو بودجه دربار بوده است و این اشخاص جزو مستعین دربار بوده اند حالا هم مستخدم هستند پس بهتر این است که همانطوریکه والا حضرت خواستند در بودجه دربار که در مجلس تصویب شده بود نظرات نماینده این را هم جزو آن بودجه کنند که با بودجه دربار یکدفعه بجهت مجلس بیاید الا اینکه آن قسمتی که اول آن بود مسترد بکنند و این قسمترا که جزو او است آن را تصویب نکنیم من نیهام چطور میشود که یک قسم کل او حالا باشد و یک قسم جزو آن تصویب شود و اگر هم آقایان صلاح بدانند در این مذاکره شود عرض میکنم که در کمیسیون خیلی مذاکره شد تحقیقات لازم هم بعمل آمد نظریه جمیع افراد رد کردیم حتی افراد این اشخاص که حقوق داشتند و آنها که استحقاق نداشتند معلوم شد که کی مستحق است و کی مستحق نیست و که باید حقوقش قطع شود که بر خلاف اساس جدید است و از روی تحقیق یک رأی اتخاذ شد و ثانیاً در کمیسیون چند جلسه را هم خودم بودم دیدم که نتوانند تجدید رأی کنند ولی بنده پیشقدم خودم باقی بودم و حالا آنها یکدیگر در اینجا قطع شده بود دو باره می بینم که یکقدری در اینجا تصویب شده است و عقیده بنده این است که همان رأی سابق کافی است علاوه بر این این رایورت با آن رایورت خیلی تفاوت دارد حکلیه غلط است بواسطه اینکه در رایورت اسامی بعضی از اشخاص مثل نو کر ها و بستگان امیر بهادر و غیره هست که بکلی حقوق آنها قطع شده است و اگر بعضی هم هست که قطع نشده است عاقبت قطع خواهند شد و همچنین بعضی اشخاص دیگر را که در جاهای دیگر حقوق داشتند و قطع شد باز دوباره در اینجا نوشته شده است تصویب شده است در هر صورت عقیده بنده اینست همانطور که آن قسم کل را که در بودجه دربار است مسترد داشتند والا حضرت که نظر خودشان را بکنند اینرا هم خوبست مسترد بدارند زیرا که خود دولت بهتر میداند اگر اشخاصی هستند که باید مستخدم باشند که آنها را لازم دارند و حقوق بانها خواهند داد اگر آقایان اینرا تصویب نمیکند پس این راجع میشود بان رایورت اولی کمیسیون پس باین جهت ما نمی توانیم تصویب کنیم آخر یک وقتی هم هست که به بعضی از اشخاص هم که مستحق هستند نباید داد تا بآنها یک مستحق نیستند بتوانیم بهمیم

**حاج عز الممالک مخبر کمیسیون بودجه**  
اینکه آقای حاج شیخعلی فرمودند که این مطلب راجع بودجه دربار است عرض میکنم که این ابدأ راجع بودجه دربار نیست در موقعیکه کمیسیون مایله در دور مشروطیت سابق حقوقات مرد و اراجح و تعدیل مینمود بعضی اشخاص بناسبت اینکه در دربار مستخدم بودند حقوقشان را در بودجه درباری معین کردند باینجهت ابدأ کمیسیون مایله سابق در آنها نظری نکرد ولی در این دوره برای اینکه دربار را هم مثل سایر ادارات دولتی فرورم کردند

و میخواستند اداراتی منین کتفون دربار و آن اشخاصی که در آنها خدمت میکنند حقوق ادارتی بکنند و البته کسانیکه حقوق شخصی داشتند اگر چنانچه مشغول خدمت بودند حقوقشان از حقوق خدمت کسر میشد ولی نه اینکه فقط نظر باین بود که حقوق شخصی آنها بکلی قطع شود این بود که حقوق این اشخاص را وزارت دربار از بودجه درباری خارج کرده بعد از آن هم یک سال بحسب صیغه الموله اجازه داده شده که قیوض آنها را هم صادر بکنند بعد اشغال کرده بودند که چون این حقوق در قوی نیل از تصویب مجلس نگذشته است لازم است بتصویب مجلس شورای عالی برسد وزارت مایله برای تسهیل کار صورت جزه اینرا فرستاد که تا حقوق اشخاصیکه مستحق هستند معلوم و تصویب بشود و کمیسیون بودجه نظریات خودش را اظهار بدارد حالا اگر چه تفصیلاً مشروحات بنده در این رایورت عرض کرده ام و توضیح مطلب در مقدمه بخوبی شده است و لازم نیست دیگر عرض کنم ولی باز برای استحضار خاطر آقایان قمری عرض میکنم که اشخاصی که جزء این صورت حقوق دارند ۸۱۵ قلم هستند که در اینجا هم نوشته اند اگر هر کدام از اینها را با کسانشان خواسته باشند حساب کنند تقریباً چهار پنج هزار میشوند که تمام مربوط هستند باین حقوق و حالا اگر یکسرتبه ما خواسته باشیم اینک را بکنیم که بگوئیم اینها حقوق نگیرند این یک تظلمی است بر آنها زیرا که حال این اشخاص یا حال کسانی که پنج آکرور میگرفتند هیچ فرقی ندارد ولی هیچ منکر نیستیم که حقوق در ازای خدمت باید داده شود و کمیسیون موافق نیست با اینکه مبلغی بدون خدمت باین اشخاص داده شود ولی چون حالا این ترتیب در مملکت معمول است هیچ سزاوار نبود که بآنها مواجب بدهیم چون هنوز یک ترتیب صحیحی برای این حقوقات داده نشده است و باین جهت است که معتبریم مثل سایرین که بدون حق یک پولی از دولت میگیرند باینها هم بدهیم پس در هر حال مجلس باید یک تکلیفی برای اینها تعیین بکند یا باین شکل که کمیسیون رایورت داده است یا بشکل دیگری بکلی قطع کردنش دور از اضاف است اما اینکه آقای حاج شیخعلی خراسانی اظهار فرمودند که اینها در این رایورت نوشته شده است بعضی از اینها نوشته شده است که قطع شده بود و حالا هم دوباره آنها را ضمیمه کرده اند

این را هم تعجب میکنم چنانچه خودم در کمیسیون با ایشان عرض کردم یک فردی که اسامی اینها از آن خوب معلوم بشود که اینها چه اشخاصی هستند و در رایورت سابق کمیسیون نوشته نشده بود که اقباه یا مقطوع بشود ولی در این رایورت که نوشته شده است چون مواد قانون بود اشخاصی را که حقوقشان مقطوع شده بود یک ماده طبعه کردیم و یک فرد طبعه نوشتم و پیشنهاد مجلس کردیم در خصوص آن اشخاصیکه مبیایستی حتی در حق آنها رأی بدهد و حقوق آنها را قطع بکنند رایورتی نوشته و تقدیم کردیم و بنده هم طبعه یک پیشنهادی به هیئت رئیسه تقدیم کردم که اشخاصیکه حقوق آنها جزو مقطوعین محسوب میشود

**محمد هاشم میرزا** - اولاً از فرمایش اخیر آقای مخبر کمیسیون اظهار داشتند که باید امروز تکلیف این لایحه معین شود و تمجیب میکنم که مطلب باین مفصلی و مشکلی را چگونه ممکن است در یکساعت تکلیف معین شود و بنده حق میدم بجهت شورای ملی اگر چه بنده در این لایحه مذاکره شده است بجهت اینکه ممکن است تفاوتش صد الی ۵۰۰۰ تومان باشد بجهت اینکه دیده ام که چیز های جزئی که بجهت می آید و در مجلس مذاکره میشود وین تکلیف میباید دو مرتبه او را به مجلس میآورند پس این بطریق اولی باید مذاکره شود برای اینکه منفعت کلی دارد و بتا بر این ضرر ندارد که چندین مرتبه هم در آن گفتگو شود و اینهم که آقای حاج شیخعلی فرمودند مقصود این نبود که بکلی مقطوع شود که آقای مخبر اظهار فرمودند جسمی نان خواهند شد گفتگوی آقای حاج شیخ علی و دیگران این نبود که بکلی قطع شود بلکه نظرشان این بود که آن نظریکه در مرتبه اول برای کمیسیون حاصل شده بود اینرا بنظر مجلس شورای ملی برسانند البته خاطر آقایان مسبور است که از ۱۴ میزان پار سال تا اسامی کاری که می توان از کمیسیون بودجه و پیشرفت کرده است بیشتر همین بوده است و واقعاً این نتیجه و حاصل هر یکساله (۱۸) نفر اعضاء کمیسیون بوده است و فایده کار کمیسیون بودجه میشود برد که در هفت چهار پنج روز اوقات صرف کرده اند میخوام عرض کنم که همین است و بدیهی است آنچه که کمیسیون بودجه لازم بوده است تصویب کرده است و رأی داده است و چیزهایی که باید بانی باشد اقباه شد و آنها یکمکه مقطوع و یا کسر شده است باید در حق مستحقین و مجاهدین که در راه آزادی خدمت کرده اند و کشته شده اند و خیلی از آنها را هم تصویب کرده ایم باید تصویب کنیم و فقط چیزی که از آن جریان آنها میتوان کرد همین مجلس است حاصل عصر یکساله (۱۸) نفر نماینده را باین زودی نیستود تردید یا تکلیف کرد یا باید کلاماً تصدیق کرد و بآنها حق داد که آن وجهی که کسب کرده اند بپوش بدهد و بایب آنها را در صورتی

بنده میدانم که آن رایورت اولی را بی تحقیق نداده ام بلکه معاون وزارت مالیه با میرزا محمد علی خان سرشته دار فرد فرد اینها را رسیدگی کردند و یک قاعده کلی اتخاذ شده بود این رأی است که بعد داده شده است و آنرا رأی کلی نیست و اتخاذ کرد بجهت اینکه مبادا منشاه و ودان اینها و اشتقاقشان تماماً هم تفاوت دارد ممکن است که یکی ۶۰۰ تومان داشته باشد و مستحق باشد و ممکن است که یک ۱۸ تومان تومانی باشد و مستحق نباشد زیادی و کمی حقوق و دلیل استحقاق نیست و اگر چنانچه مقداری دقت و ملاحظه بفرمائید اینها تمام معلوم خواهد شد و ممکن است که یک کسی هم باشد که ابدأ استحقاق حقوق ندارد در مقابل پانصد تومان می برد و ممکن است یک کسی باشد که استحقاق دارد ولی ده تومانه بیشتر نبیرد در صورتی که آن ده تومان کفایت حال او را نمیکند و این قانونیکه کمیسیون بودجه اخیراً گذاشته است تا دویت و چهل تومان برقرار باشد و هیچ مذاکره در کم و زیادش نشود و همینقدر که از دویت و چهل تومان یک تومان زیاد باشد قطع شود بنظر بنده صحیح نمی آید و البته زحمت ششماه و چهار ماهه را که کمیسیون کشیده است و فرد فرد اینها در دست آمده و قیتر وضعی آنها و اینکه بعد از این حقوقات چه بوده است قیتر آنها استحقاق قضایه آنها که آیا از خدمتگذاران اساسی جدید هستند یا نیستند یا اینها از متوفیات بوده است یا نبوده است تمام اینها مفصلاً تحقیق شده است و ممکن نبوده است که بهتر از این رسیدگی نمود حتی آنکه چیزهایی را که سر رشته دار مسبور نبود آنها را هم رسیدگی کردند و البته معاون وزارت مالیه در صورتیکه در آنجا بودند تحقیق نمیکردند رأی قطعی نمی دادند پس آن زحمت را بی فایده نمیتوان پنداشت اگر مذاکرات نشود بنده میتوانم یکی یکی عرض بکنم که چه تفاوت دارد زیرا تحقیقاتی که در آن مدت شده است تمام در ذهن بنده جایگیر شده است علاوه بر این تفاوت این قانون کلی که در کمیسیون ترتیب داده شده با اینکه سابقاً کمیسیون رأی داده است افلا ۲۵ هزار تومان است اگر چه درست حساب او در نظرم نیست ولی خیلی لایق و سزاوار است که برای این ۲۵ هزار تومان هم دو سه جلسه رسیدگی شود و اینکه گفته میشود که نمی شود از فرد فرد ملاحظات کرد در کمیسیون مایله آن مطلوبانی که پیشنهاد مجلس شدند این بود که هر نماینده ۹ روز معطل میشد تا اینکه یکتفرقه را رأی بدهد کمیسیون معینی که نبوده که در آن کمیسیون رسیدگی میشد و آن نظر و اطلاعاتی که تحصیل کرده بودند خلاصه آنرا یکسرتبه می آوردند بجهت رایورت میدادند و حالا هم کمیسیون بودجه همین کار را کرده است و در مرتبه اول رایورت خودش را داده است منتهی میخواهد که بیشتر تحقیقات بکنند بیشتر دقت بکنند آن رایورتی که بنظر سر رشته دار کل گذاشته است خوبست بیاورند در اینجا و در دو روز سه روز رسیدگی بفرمائید هر جایش را که اشکال داوید تحقیق و رسیدگی نمائید اگر اطلاعی ندارید از مخبر و دیگران سؤال بکنند و در یک

**آقا میرزا رضای مستوفی** - اینعقون جلسه رأی بدهد و اینهم مثل سایر حقوق تعاریفی نیست که بگوئیم هر کس در دست و چهل تومان داشته باشد باید تصویب شود و زیاد بر آن را باید قطع کرد بجهت اینکه بعضی از اینها حقوق اداری بوده است حقوقی است که در ازای خدمت داده شده است نه در ضمن حقوق که در جزه بخشش باشد و بآنها داده باشند تا اینکه در حکم سایر حقوقات باشد و نمی شود حقوق اداری را در حق کسی که هیچ داخل خدمت نیست بدهند مثل این که اشخاصی هستند که در آنرا بیاچان که نماینده کان آنهارا میشناسند و چند نفر هم در خراسان هستند که آنان در کشیک خانه مشغول خدمت هستند حالا چند نفر هم هست که اینطور نیستند ربطی بانها ندارد و نمیشود حقوق آن هارا با حقوق دیگران مخلوط کرد البته باید هر کس با استحقاق خودش و در ازاه خدمت خودش حقوقش را ببرد و اینها باید متوافق باشد نه متباین و بنده در صورتیکه مبداء حقوق اینها و استحقاقات آن ها مختلف است مخالف عرض میکنم که اینطوریکه بنظر بنده رسیده است هیچ فایده کلی در آن منظور نشده است و دور از عدالت است که حقوق آن هائیکه استحقاق دارند مخلوط شود با حقوق قطع شده ها و البته رسیدگی شود و تارسیدگی نشود ممکن نیست که رأی صحیح در این لایحه داد از اینجهت بنده بکلی این ترتیبی را که کمیسیون بودجه اخیراً گذاشته و رایورت داده است رد میکنم و تقاضا میکنم که همان چیزی که در مرتبه اول کمیسیون بودجه داده است خوانده شده و مطرح مذاکره بشود که رد یا تصویب بنمایند

**لواء الدوله** - حکمت اداری مملکتی که قانون بر آید یا استبداد را بر میآورد یا قانون قدیم را بر میآورد باید آن اشخاصی که واضح قانون هستند از وضع قوانین باید سه ملاحظه داشته باشند یکی نفع عامه یکی جریان یکی جریان آن بواسطه اینکه امروز می بینیم که کجا که قبل از ما مشروطه شده اند و ما هم باید از آن ها تقلید بکنیم چطور رفتار کرده اند ما هم بکنیم مثلاً امروز می بینیم مواجبی را که ما میگوئیم منفعت حوزه ها صد توما پنجاه تومان دویت تومان مواجب دارند و اشخاصیکه میگویند ما حقوق بریم اینها را یکدفعه نمیشود قطع بکنند و نمی شود ترتیبی را که در سایر جاها داده اند در اینجا بدهیم مثلاً مثل زاپون بنده که نمیدانم میگویند که یک مبلغی فرض کرد و ارباب حقوق راسه قسمت کرد یک قسمت را خرید یک قسمت را قطع کرد و یک اندازه را باقی گذاشت یک اندازه صدا هاشان را کوتاه کرد ما که استصطاع و پول نداریم که اینها را بخیریم ولی یک اندازه باید اینها را ساکت کرد که اسباب زحمت نشوند و این تقصیر اولیای امور است و ربطی بجهت ندارد و حقوق اینها را باید دید که باید داد یا خیر اگر آنها را میگویند باید قطع کرد بکلی قطع بکنند آنها هم خواهند گفت که ما کار رجوع بکنیم اگر حقوق ما کافی است که هیچ والا اضافه او را بدهید اگر کافی است و اگر کسر است اضافه اش را بدهید و اگر اضافه است که کسر کنید پس بنده بآنها میگویند باید بکلی قطع کرد مخالفم و عقیده بنده این است که نباید دست زد

**حاج عز الممالک** - اولاً جواب آقای میرزا رضا خان مستوفی را عرض میکنم که جناب عالی از حساب مبیایه خوب مسبور باشید و همین قانون را که ملاحظه فرمودید خودتان نمیتوانستید بدانید چقدر برقرار میشود و چقدر قطع می شود اولاً مقطوعات است که معلوم است بعد اشخاصی که کسر ناک میشود موع می گردید خوب معلوم میشد که چقدر است بنده او را مطابق رایورتی که از کمیسیون پیشنهاد شده است بعرض می رسانم (۱۶۲۴۵) تومان جزء مقطوعات خواهد بود (۶۰۰) تومان هم از باب کسر ناک حساب می شود (۲۲۵۰) تومان هم نصف متوفیات است (۹۰۰) تومان هم از اشخاصی است که متجاوز از (۶۰۰) تومان حقوق دارند که تمام آنها ۲۵ هزار و کسری است که موضوع میشود و الباقی را که (۶۴) هزار تومان میشود مجلس باید برای بدهد و این چیزی است که از روی رایورت خوب معلوم میشود نموده اما راجع با اعتراضاتی که آقای محمد هاشم میرزا اظهار فرمودند بنده میخواستیم عرض کنم که مجلس اگر بخواهد داخل اشخاص بشود هیچ وقت اکثریت در مجلس پیدا نخواهد شد یعنی کم اتفاق می افتد برای اینکه مثلا بنده توضیح میدهم که این کردم باید در باره او فلاقت برقرار شود و دیگری ممکن است نظر دیگری داشته باشد و پیشنهاد بکنند که کمتر داده شود دیگری پیشنهاد دیگری بکنند همینطور در فرد آنها که پنجاه تومان یا چهل تومان حقوق باید بآنها داده شود پس در اینصورت ممکن نیست مجلس موفق بشود که چنین کاری انجام بدهد و مجبور بودیم که بطور کلی این قانون را بنویسیم و رأی راهم که مجلس میدهد یک حکم کلی باشد بهتر است از این که ما فرد فرد را در تحت نظر بیاوریم یا آن اشخاصیکه بفرمائید مستحق بودند عرض میکنم که این اشخاص را قانع کرده ایم و بدقت هم رسیدگی شده است و هیچ حقوق شخصی در رایورت نخواهد بود که شخص باشد و مستحق این حقوق نباشد که کمیسیون دو باره رأی داده باشد و یا اینکه کسی مستحق حقوق باشد و کمیسیون در آن باب ککم و زیاد کرده باشد و اگر میفرمایند که باید در اینخصوص مذاکره بشود بنده عرض میکنم که برای همین هم طبع و توزیع شده است که هر یک از نمایندگان که در این خصوص اطلاعی دارند و یا

نظریاتی دارند پیشنهاد نمایند و آن اشخاصی را هم که میفرمایند این قانون شامش آنها میشود استحقاق ندارد مسکن است یک پیشنهادی بکنند که صد تومان حقوق فلان قطع شود و آنرا اضافه با آنمطوعات کنند و از اینکه مجلس در جزء جزء اینها مذاکره بکند در صورتیکه هیچوقت ممکن نبود که اینطور بشود و با اعتقاد بنده غیر از این که بنظر قانونی درباره آنها یک ترتیبی بدیم و بطور قانونی قطع یا ابقاء کنیم هیچ نظری مسکن نبود واضح نیست که عرض کردم و باین دلایل غیر از این صلاح نیست و دیگر اینکه گفتند نباید مذاکره بشود البته مضایقه نموده بود در اینکه مذاکره در آنها بشود و آوردن مجلس هم برای همین است که نمایندگان ملاحظاتی خودشان را در فقرات آن نمایند و یک رای کلی در این باب بدهند که تکلیف اینکار معلوم بشود.

### شاهزاده سلیمان میرزا - بنده هم در

کمیسیون بودجه بودم و قبلاً آقای محمد هاشم میرزا صحبت کردند مخصوصاً مدتی وقت اعضاء کمیسیون صرف این شد و اشخاص را دقت کردند با حضور سررشته دار کل و معاون وزارت مالیه و نمایندگان چطور شد که آن راپورت قبل بعد از تغییر اعضاء کمیسیون بودجه بکلی فرق کرد و آن راپورت اولی بکلی منسوخ شد و یک راپورت جدیدی دوباره آوردند از این راپورت بنده خبر ندارم چون در کمیسیون بودجه نه بودم ولی در این راپورت وقتی که بدقت ملاحظه فرمائید می بیند که اشخاصی در این ضمن نوشته شده است و در ذیل این (۲۴۰) تومان حقوق میگیرند که تصدیق خواهند کرد که ابدأ نباید این حقوق داده شود مثلاً در جزء این حقوق یکی حقوق قهرمان خان نیرالسلطان حاجب الدوله قدیم است (۳۶) تومان از قدیم موجب داشته است که حالا همان سیصد و شصت تومان هست و هیچ فرق نکرده است و در جزء مقطوعات هم نیست برای اینکه از یکتومان الی دویست و چهل تومان برقرار است و او باید این ۳۶ تومان را بگیرد یکی دیگر هم در آن صفحه است حاج رضا قلیخان پیشکار کلان میرزا اتفاقاً دویست و چهل تومان حقوق دارد و مطابق این ماده باید آن دویست و چهل تومان را بگیرد این بچه قسم ممکن است در صورتیکه آنوقت در کمیسیون بطور دقت رسیدگی شده بود آقای معین الرعایا حاج میرزا رضا خان اشخاص را درست کاملاً می شناختند و تحقیقات می کردند و برای اشخاصیکه میخواستند حقوق آنها را قطع کنند اگر سررشته دار کل کاملاً مسبوق و مطایع نبود میرفت کاملاً تحقیق میکرد این بود که آن راپورت در کمال دقت نوشته شد و در آن راپورت کاملاً رعایت حال اشخاص ضمه است که واجب الرطایه بوده اند شده بود و حالا اشخاصی که آنوقت رئیس یا مستخدم کشیک خانه قدیم بوده اند و الان متفرق شده اند حالا بار بعضی اسامی آنها را بنده میبینم که در جزء مقطوعین نیست و دویست تومان و سیصد تومان حقوق میبرند بنده عرض میکنم آخر ما باید از آن محل ها بگیریم از حق این بدبخت ها که با هم معاهدات رفته اند چنگ کرده اند و در جزء مجاهدین کشته شده اند و حالیه دم میروند

در حق آنها بر قرار کنیم فرض کنیم که از قهرمان خان قطع کنیم یا از حاجب الدوله قطع نکنیم پس از که قطع کنیم و حال آنکه مجبور هم هستیم که باین اشخاصی که مجاهدین هستند بیول بدیم و حقوق بر قرار کنیم و مجبور هستیم بآن بیچاره که رفته است در راه مشروطیت و در راه آزادی کشته شده است یا ورته اش را بدیم و اگر از این محل ها ندیم از کجا بدیم مالبه ملک ما که کفایت نمی کند از آن طرف یک حقوقی هم که بآنها باید بدهند آن وقت باید یکبار دیگری بر این حقوقات بیفزایند محلی که ما از برای این حقوقاتی که ناخال داده ایم و بعد ها هم باید بدیم باشخاصی که در راه آزادی در راه مشروطیت چه کشته شده اند چه باقی مانده اند که نداریم محلس اینجا ها است پس مسلماً باید از این اشخاص قطع بکنیم و بآن ها بدیم و دیگر اینکه بنظر بنده نمی شود که در یک ماده کلی اینها را آورد که از یک تومان تا دویست و چهل تومان در صورتیکه قهرمان خان نیرالسلطان که ۳۶ تومان است باید بدیم بفرمائید ممکن است هرکس بخواهد پیشنهاد کند بنده صد تومان اگر پیشنهاد نمایم باز باید ۳۶ تومان قهرمان خان را بدهند در صورتیکه هیچ نباید داد و واجب است که یکدینار هم باز داده نشود حتماً این را میدانم پس باید از این مواردیکه اینجا نوشته شده است صرف نظر کنیم همانطور که در سنه ماضیه در دوره ماضیه بودجه را درست کردند و گذرانند همانطور باید رای بدیم و بگذرانند همانطوریکه آن کمیسیون وقت های خود را صرف نکرد و اشخاصی را که لازم مبادست حساب کرد تا بنظر و کلا رسید تا و کلا با اعتمادیکه بآن کمیسیون داشتند رای دادند ممکن است که آن راپورت را در تحت مواد بیاورند و و کلا هم با کمال دقت رای بدهند و آن حقوقی هم که با دقت ابقاء شده است رای بدهند بنده میدانم این قانون را با چه قانون میتوان تطبیق کرد عرض کردم که این اشخاص را بنده پیدا کردم برای شما و اعضاء کشیک خانه را کمتر میشناسم این دواصم را اتفاقاً پیدا کردم آنها که مطلع هستند خیلی پیدا خواهند کرد و باید اینها را کم کرده و علاوه اشخاصی را که میدانم مخالف این اساس بوده اند باید حقوقشان را قطع کنیم و ندیم غیر از این نمیتوانیم یک قاعده کلی اخذ کنیم و همان طور که عرض کردم قهرمان خان و حاج رضا قلیخان قهرماً جز او است پس بقیه بنده آن راپورت اولیه را اگر نمایندگان تصویب نمیکند طبع بکنند و نظریات در آن بشود یک چیزی است که هر قدر در او دقت بشود جا دارد زیرا که این عمل مالیه است تحقیقات کامل باید بشود و آن هم یکصد و پنجاه تومان است و موقع دارد و یک قدری از آن اشخاصی را که باید قطع کرد و یک محلی برای اشخاصیکه باید حقوق بآنها بدیم پیدا کرده باشیم.

### حاج عزالممالک مخبر - حضرت والا

شاهزاده سلیمان میرزا اتفاقاً که اسم را پیدا کردند که بتوانند اظهارات خودشان را بفرمایند لکن جزو اخیر این ماده را اگر ملاحظه میگردند این اظهارات را نمیفرمودند جزء اخیر میگوید حقوق

اشخاصیکه بکلی مقطوع شده است از این قاعده مستثنی است هیچ این حکم نمیکنید بآن پیشنهاد بنده که همان ۱۶ هزار تومان را که کمیسیون عقیده داشته است باید حتماً همان باشد البته ممکن بود حضرت والا این دو اسم را یا پنج اسم دیگر را پیشنهاد کنند جز مقطوعات باشد پس لازم میشود این دو اسم را اینطور پیدا بکنند و مصدر قرار بدهند و این فرمایش را بکنند همین طوری حضرت والا این دواصم را تمسک خودشان قرار دادند ممکن است بنده هم استاد تقی یا ورته استاد ابوالناسم یا ورته میرزا محمد بیگ یا استاد حسن پنج تومان استاد حسین چهار تومان را بجز اینها بخواهم اینطور بجز یک چیزی است که مجلس نمیتواند رای بدهد پس نمیشود این را مثل زد اینکه میفرمایند باید از اشخاصی که بر خلاف این اساس بوده اند باید قطع کرده و یکسکه هم روز برای ملک و مشروطه خدمت کرده است داد صحیح است این عقیده را بنده و کمیسیون خیلی صحیح میدانیم نه در باره این حقوق بلکه در باره کلیه حقوقاتی که برده میشود که کتباً نیم کرور است رسیدگی شود و اشخاصی که بر خلاف آزادی در این ملک اقدام کرده اند تمام حقوق آنها قطع شود و این یک عایدی کلی برای ملک خواهد بود و سهل هم هست ولی عقیده کمیسیون بر این است که تا این مسئله در تحت یک قاعده کلی نباشد و یک ترتیب صحیحی اتخاذ نشود این مسئله زودتر از مجلس ننگردد منتهی این است که آقایان نظرات خودشان را میکنند آنوقت اگر نظراتی دارند پیشنهاد میکنند اشخاصیکه باید مقطوع شوند ضمیمه مقطوعات میکنند و تمام میشود.

**ارباب گیخسرو - بنده اولاً اینجا میخواستم سؤال کنم اینکه از بودجه دربار برگشت کرده است از مقام نیابت سلطنت گذشته است یا اینکه مثل آن بودجه دربار که مدتی زحمت کشیده شد و دوباره مسترد شد و مسترد خواهند کرد بنده خیلی لازم میدانم که وزیر مالیه یا معاون ایشان حاضر بوده و این مسئله با حضور ایشان بگذرد و جواب سئوال آنرا بدهند ما خیلی کار های بزرگ را میگذرانیم در صورتیکه وزراء خبر ندارند در صورتیکه حضور وزراء خیلی لازم است و بعکس گفت میشد و شاید بعد از گذشتن تولید اشکالات بشود اینستکه تقاضا میکنم که مذاکره در این لایحه را موکول بجلسه بعد بکنید که وزیر مالیه و معاون وزارت مالیه حضور داشته باشد.**

**رئیس -** وزراء اگر نمایند تصمیم ما نیست بواسطه اینکه دستور مجلس را همیشه دو روز قبل وزراء اعلان میکنند و هر کدام میدانند چه مطلبی در مجلس مطرح است البته هر وزیریکه آن مطلب را جابجاء است باید حاضر بشود - حالا که تقاضا میکنید رای میگیریم - تقاضا میکنید بماند برای جلسه بعد ؟

**ارباب گیخسرو -** بله برای جلسه بعد که

وزرا هم حاضر شوند

**رئیس -** خوب رای میگیریم که بماند اینلایحه

برای جلسه بعد که وزراء هم حاضر شوند آقایانی که

تصویب میکنند قیام نمایند ( اکثر قیام نمودند )

**رئیس -** تصویب شد پیشنهادی است از طرف جمعی از آقایان خوانده میشود ( تقاضای مذکور ببارت ذیل قرائت شد )  
 نظریاتی که زمانی چند پیش از این دوره تقنینیه باقی نمانده و موافق نظامنامه داخلی شبات و جمیع کمیسیونها باید تجدید شود و همچنین هیئت رئیس و اداره مباشرت و اگر این قلیل مدت هم صرف تجدید انتخابات شود قوانین مهمه باقی میماند این بنده پیشنهاد میکنم که یک رای کلی برای بقای همین شط و هیئت رئیس و اداره مباشرت و کمیسیونهای ماله گرفته شود اگر مجلس تصویب نماید دیگر تجدید انتخاب نشود .

**رئیس -** مخالفی هست ؟  
**دو ز الملك -** بنده با یک کلمه مخالفم که نوشته شده است چندروز باخر مدت تقنینیه باقی مانده است چندروز باقی نمانده است و مدتی باخر دوره تقنینیه مانده است .

**رئیس -** چندروز نوشته نشده است نوشته است زمانی چند - رای میگیریم باین پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نوردند )  
**رئیس -** با کثرت تصویب شد - یک ماده مهم مقرر کمیسیون داده اند این را هم همبینه طبع کنند برای روز سه شنبه دستور سه شنبه سه و نیم بفروب مانده راپورت کمیسیون بودجه راجع به ۱۵۲۰۰۰ تومان حقوق برگشتن دربار - راپورت کمیسیون بودجه راجع بکمیسیون قانون انتخابات را هم از مخیر پرسیدم معلوم میگردد برای روز سه شنبه حاضر نشود شش ماده است رجوع شده است حوزه بند هم هست حالا اگر حاضر شد آن مقدم است اگر نشد دستور همین است از آقایان خواهش میشود که هر چه اصلاح راجع باین مسئله کالان شورش ختم شد دارند بفرستند که آنهم ارجاع بکمیسیون کنیم .

**میرزا پائیس -** چند دفعه در اینجا اظهار شده قانون راجع بچرم سازی حاضر شده و تقاضا شده است جزء دستور گذاشته شود حالا بنده تقاضا میکنم که جزء دستور جلسه آتی گذاشته شود .

**رئیس -** چرم سازی را ممکن است برای دستور روز پنجشنبه قرار بدهیم .

**افتخار او اعظین -** اگر برای سه شنبه قانون انتخابات حاضر نشود مانی نمی بینم که آن قانون چرم سازی هم جزء دستور شود .

**رئیس -** جزء دستور پنجشنبه قرار دادیم .  
 ( آقای رئیس حرکت کردند مجلس نیم ساعت از شب گذشته ختم شد . )

**جلسه ۳۰۴**

**صورت مشروح مجلس روز سه شنبه**

**۱۵ شهریور ال ۱۳۲۹**

آقای رئیس ساعت ونیم قبل از غروب بصندلی ریاست جلوس و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید .

آقای میرزا رضا خان صورت مجلس قبل را قرائت نمودند .

غائبین بدون اجازه - دکتر اسمعیل خان - میرزا علی اکبرخان دهمدا - ادب التجار غائبین با اجازه

دکتر امیر خان - شیبانی - دکتر علیخان - حاج میرزا رضا خان .  
 آقایانیکه از وقت مفرره تاخیر نموده اند میرزا یانس دوساعت و ۴۵ دقیقه - معذل الدوله یکساعت و ۲۰ دقیقه - میرزا ابراهیم قی ۵۰ دقیقه - نیر السلطان یکساعت و ۲۰ دقیقه .

**رئیس -** در صورت مجلس ملاحظه نیست ؟  
 ( اظهاری نشد . )

**رئیس -** صورت مجلس تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع به هشتاد و نه هزار تومان و کسری حقوق اشخاصی که از بودجه دربار موضوع شده راپورتنی که سابقاً داده شده بود چون ماده بندی او بطور صحیح نشده بود راپورت جدیدی که ماده بندی شده طبع و توزیع شد قرائت میشود .  
 ( راپورت ببارت ذیل قرائت شد )  
 بتاريخ ۱۶ شوال المکرم ۱۳۲۹ راپورت کمیسیون بودجه مطابق مواد ذیل به مجلس شورای ملی تقدیم می شود :

ماده ۱- مبلغ هشتاد و نه هزار و هشتصد و چهل و هفت تومان و یکقران و مقدار دوهزار و هفتصد و هشتاد و هشت خروار و بیست من غله و یکهزار و نهصد و پنجاه من حقوق اشخاصی که جزء دربار سلطنتی منظور بوده و حواله وزارت دربار از جزء بودجه خود خارج نموده است مبلغ شانزده هزار و دویست و چهل و پنج تومان و چهار هزار نقد و مقدار شصت و بیست و پنج خروار و شصت و سه من غله و سیصد و شصت و شش خروار و شصت و پنج من گاه بوجوب دوفرد طبع شده و ضمیمه آن شامل ۴۹ قلم کلیه مقطوع و بقیه بوجوب مواد همه قسمتی مقطوع و قسمتی برقرار میشود .

ماده ۲- حقوق از یکتومان الی دویست و چهل تومان ابقاء میشود .

ماده ۳- حقوق از دویست و چهل تومان الی شصت و هفت تومان بعد از کسر نشت ابقاء میشود کسر نشت باید طوری مراعات بشود که از دویست و چهل تومان نقصان حاصل نکند .

ماده ۴- حقوق متجاوز از شصت و هفت تومان بالاتراز شصت و هفت تومان قطع و بقیه بعد از وضع نشت بر قرار میشود .

ماده ۵- اشخاصی که نقد و جنس دارند نقد آن مطابق ماده ۳ و ۲ و ۴ برقرار و جنس آن مقطوع است ماده ۶ اشخاصی که جنس فقط دارند که آن مقطوع و غله از قرار سه تومان تسعیر و موافق ماده ۳ و ۲ و ۴ نقداً درباراً آن برقرار میشود .

ماده ۷- متوفیات این حقوقات مطابق قانون متوفیات باید مجری و معمول شود .

ماده ۸ - حقوق اشخاصیکه در ماده ۱ مقطوع شده از این قانون مستثنی است .

**رئیس -** مذاکرات در کلیات هنوز تمام نشده است آقای میرزا داود خان -

**میرزا داودخان -** دو راپورت در کمیسیون بودجه آمد یعنی یک راپورت از کمیسیون بودجه پیشنهاد شده بود که یک ماده او مقطوعی است که عبارت است از ۱۶ هزار و ۲۴۵ تومان و ۴ هزار نقد و مقدار ۶۲۵ خروار و ۶۳ من غله و ۳۶۰ خروار و ۶۵ من گاه که قطع کرده و باید کمال تشکر را از کمیسیون داشت و یک ماده دیگر

بر قراری است که معین فرموده اند از یک تومان الی ۲۴۰ تومان و از ۲۴۰ تومان الی ۶۰۰ تومان و از ۶۰۰ تومان بیابا را قطع کرده اند و خیلی مرحمت فرموده اند عقیده بنده اینست که این راپورت در مجلس مطرح نشود و بطوریکه گفته شد راپورتیکه ۶ ماه قبل مدتی در کمیسیون زحمت کشیدند و بدقت باین اشخاص رسیدگی کردند او باید در مجلس مطرح مذاکره شود بجهت این که این راپورت که بمجلس آمده است اساسی شده که نمیشود رأی داد اشخاص را بنده مبینم که ابدأ مجلس سزاوار نیست رأی بدهد در حق آنها حقوق برقرار شود مثلاً محمد حسین خان خوراکیز رحیم خان خوراکیز با استاد یحیی طباطبائی استاد یوسف طباطبائی بسیار است خیلی خوب آشنیز یاطبای سلطنتی بوده ولی امروز شغلشان معلوم است و متوانند توی بازار یکدکان باز کنند و کاسبی کنند و گذران خودشان را پیدا نمایند اگر بنا شود که مجلس بخوراکیز یا آشنیز حقوق بدهد بنده بتمام آشنیز های این شهر حق میدهم که بیایند حقوق بگیرند همینطور ابوالحسن بیگ خاصه تراش از این قبیل فراوان است که میتواند بروند کاسبی نمایند از آن جمله است مشهدی ولی محمد خیاط میرزا ابراهیم خان خیاط باشی که سابقاً هم وکیل مجلس بوده است من از طرف او قسم میخورم که هیچوقت حاضر نیست مواجب بگیرد بجهت این که الان درب اربک دکان دارد و ده نفر شاگرد دارد و یقیناً هم مواجب نمیخواهد همین طور حسن خان قنایوجی علت این که چهار صد تومان یا ۴۲۰ تومان بایند باو مواجب داد چیست اگر هم باید باو مواجب داد ماهی بیست تومان کافی است دیگر چهار صد بیست تومان برای چه از همه اینها مضحک تر بعقیده بنده این است مجلس رأی بدهد که بعمله طرب مواجب بدهند محمدخان صله طرب چهل تومان یک چیز خیلی غریبی است از آنها بگیریم میرسیم باشخاصی که باستیاد خدمت کرده اند که بربروز آقایان سلیمان میرزا یکی دوفرد از آن اشخاص را فرمودند مثلاً از آن قبیل سدیدالملک است سدیدالملک چرا باید مواجب بگیرد این عبارت اگر قوه ناطقه داشت و میتوانست حرف بزند بیان میکرد که سدیدالملک در بیمار درمان مجلس چطور شرکت داشته شمر معروف که توگرو بردی اگر جفت اگر صاق آید اگر استیاد شد که کسی بمن کار ندارد و هر کاری دلم خواست میکنم و خودم راهم مقصر نمیدانم اگر هم مشروطه شده مواجب خودم را میگیریم اگر این راپورت را در نظر بگیریم چون جزء دویست و چهل تومان حقوق داشته باید ابقاء شود چیز دیگر که بنده توضیح آنرا از تمام ۱۸ نفر اعضاء کمیسیون بودجه میخواهم اینست که در فرد بیست و هفتم دفعه اول قلم یازدهم نوشته شده است لطفعلی خان اسد - السلطنه دویست و بیست تومان بازجا - دیگر که مال اشخاص است که از دویست و چهل تومان بیابا دارند فرد سی و یکم قلم پنجم نوشته است لطفعلی خان اسد السلطنه یانصد و دو تومان و پنج هزار از این قید شود میشود هفتصد و بیست و دو تومان و پنج هزار پس وقتی که مجلس باین راپورت رأی دادر دو